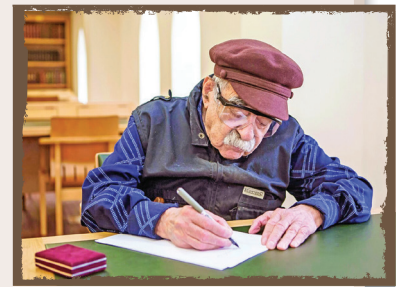


بازشناسی شمایل یک شاهد عینی



■ عبدالله انوار (۱۴۰۱-۱۳۰۳)

■ کار و پژوه: کتاب‌شناسی، نسخه‌شناسی و رجال‌شناسی

مرحوم عبدالله انوار را به گنجینه‌ای برای تاریخ و فرهنگ ایران و تهران تشبیه می‌کنند؛ پژوهشگر، کتاب‌شناس و نسخه‌پرداز؛ که عمر خود را وقف تحقیق، پژوهش، شرح و ترجمه آثار مختلف کرد و با کار ماندگارش در حوزه ثبت و حفظ نسخ خطی، دین خود را به فرهنگ و ادب میهن ادا کرد. انوار اگر چه به‌عنوان رئیس بخش نسخ خطی کتابخانه ملی ایران، حدود ۱۰ جلد فهرست نسخه‌های خطی را به فارسی و عربی تدوین کرده و با شرح و ترجمه کتاب‌های ارزشمندی چون شرح اشارات خواجه نصیر، تعلیقه مفصل بر دانشنامه علایی ابن سینا، ترجمه مقاصد الفلاسفه غزالی و... شناخته می‌شود، اما تسلط در مبحث رجال‌شناسی و پژوهش‌هایش درباره تاریخ و هویت پایتخت، او را به چهره ماندگار این حوزه تبدیل کرده است. حمید ناصری، تهران‌پژوه و نویسنده می‌گوید: «استاد انوار علاوه بر تسلط در نسخه‌شناسی، رجال‌شناس هم بود. او از معدود افراد یا تنها فردی بود که به واسطه پدرش سید یعقوب انوار شیرازی (عضویت در مجلس شورای ملی در بین سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۲) خانه شمار زیادی از رجال سیاسی از میرزا جواد سعدالدوله تا علی آقاخان امین‌حضور و حکیم‌الملک را از نزدیک دیده و اطلاعات آنها را ثبت کرده بود. از طرفی تسلط استاد انوار به زبان فرانسه و زندگی در دل تحولات اجتماعی و سیاسی آن دوران، باعث شده بود از نزدیک برخی وقایع مهمی که در تهران رقم خورده را تجربه کند. برای نمونه، او هنگام نوشتن «لایحه خلع ید» در خانه دکتر مصدق حضور داشت و یکی از افرادی بود که در کار نوشتن، ترجمه و تصحیح متن لایحه مشارکت کرد. استاد انوار در همین جلسه هم به توصیف و ثبت اطلاعاتی از معماری و ویژگی‌های خانه دکتر مصدق پرداخت. «همین امتیاز ویژه در کنار پژوهش میدانی، به شیوه تحقیق و پژوهش خاص استاد انوار درباره تاریخ تهران تبدیل شد.

به گفته ناصری، انوار علاوه بر ارائه اطلاعاتی درباره قنات‌های تهران، در مجله تهران، متعلق به سیما کوبان، مقالات مفصلی درباره باغ‌های تاریخی تهران نوشت که منبعی ارزشمند است.

جویندگان رازهای تهران

آنها را باید جویندگان گنج‌ها و رازهای پنهان تهران نامید؛ همان‌هایی که پای پیاده و پادست خالی کوچه‌ها و خیابان‌های تهران مدرن امروز را (که کمتر نشانی از تاریخ کهنش را حفظ کرده) تادل روستاهای پایتخت برای کشف و ثبت تاریخ این شهر جستجو می‌کنند. تهران‌پژوهان و محققان تاریخ پایتخت، عمری در کتابخانه‌ها، منابع مکتوب، تصاویر و اسناد، تاریخ تهران را زیر و رو کرده‌اند و در گفت‌وگو با معتمدان و ریش‌سفیدان، تاریخ شفاهی محله‌ها را به ثبت رسانده‌اند تا نام مشاهیر، علما، بناهای تاریخی، معماری، جغرافیای شهری، اقلیم، گویش و سبک زندگی مردم تهران قدیم برای نسل امروز به یادگار بماند. در این شماره از همشهری محله سراغ تهران‌پژوهان ۱۰۰ سال اخیر رفتیم که با تالیفات، مقالات و آثار خود به ثبت و ضبط تاریخ تهران کمک کرده‌اند. مطالب این شماره حاصل بیست‌وهشتمین نشست مرکز تهران‌پژوهی همشهری است که با عنوان «تهران و تهران‌پژوهان معاصر» و با حضور تهران‌پژوهان محمود منیعی، حمید ناصری، همایون عبدالرحیمی و اردشیر آل‌عوض، پژوهشگر فرهنگ عامه برگزار شد. همچنین در این شماره مهرشاد کاظمی، تهران‌پژوه و سیدمهدی اعرابی، شمیران‌پژوه و محقق روایت‌هایی را از زحمات تهران‌پژوهان ارائه کرده‌اند. لازم به توضیح است تهران‌پژوهان دیگری چون محیط طباطبایی، اسکندر مختاری، سهیلا نجم، عبدالله بهرامی، زرتشت هوشفر، علی‌اصغر فقیهی، حامد ابو حمزه، سیدعباس حسینی، بهزاد یعقوبی، کیانوش معتقدی و... نیز با آثار خود قدم‌هایی را برای ثبت تاریخ تهران برداشته‌اند که با توجه به محدودیت صفحه‌های این ضمیمه، شرح آن در این مقال نگنجید.

تقدیم به آنهایی که به من بد کردند!

■ جعفر شهری (۱۳۷۸-۱۲۹۳)

کار و پژوه: مجموعه ۵ جلدی طهران قدیم

جعفر شهری، نویسنده و پژوهشگر تاریخ را باید راوی بی‌نظیر زندگی اجتماعی مردم تهران دانست. او سال ۱۲۹۳ در شب تاجگذاری احمدشاه قاجار در یکی از قدیمی‌ترین محله‌های تهران، عودلاجان به دنیا آمد.

جعفر شهری به‌دلیل شرایط اقتصادی خانواده در کودکی وارد بازار کسب‌وکار شد. در حقیقت ورود او به شغل‌های مختلف و تجربه مشاغل گوناگون باعث شد مطالب و اصطلاحات زیادی از زندگی مردم و کوچه و بازار فراگیرد و این اطلاعات در نوشتن کتاب‌هایی درباره تهران بسیار مورد استفاده‌اش قرار گرفت. او با همه دغدغه‌های اقتصادی، علاقه خاصی به مطالعه و نوشتن داشت. از سال ۱۳۲۹ به‌طور حرفه‌ای به کار جمع‌آوری مطالب تاریخ تهران روی آورد؛ مطالبی که براساس مشاهدات، شنیده‌ها و مطالعات گردآوری شده است. نصرالله حدادی، تهران‌پژوه از دوستی و رابطه استاد و شناگر دی عمیقش با جعفر شهری می‌گوید: «یادم می‌آید نخستین بار وقتی وارد اتاقش شدم همه‌جا مملو از کتاب بود. از همان روز تا هشتم آذرماه ۱۳۷۸ که به دیدار حق شتافت، این دوستی و رفاقت پایدار ماند.

مجموعه آثاری که از مرحوم شهری درباره تهران باقی مانده،

شامل ۱۴ مجلد است: طهران قدیم ۵ جلد، تهران در قرن سیزدهم ۶ جلد و مجموعه ۳ جلدی زندگینامه او شامل گزنه، شکر تلخ و قلم سر نوشت که حاوی نکات بسیار جذاب و ناگفته‌ای از زندگی مردم تهران در اواخر دوره قاجار و اوایل پهلوی دوم است. او کتاب «تهران قدیم» را به تشویق سیدابوالقاسم انجوی شیرازی در ۵ جلد نوشت؛ کتابی خواندنی و جذاب که با مطالعه آن گویی با مردمان آن روزگار تهران هم‌نشین بوده‌ایم.

حدادی درباره دقت و آگاهی جعفر شهری درباره آداب و سنن و تعاملات اجتماعی مردم تهران می‌گوید: «شهری در تعریف و توصیف بی‌بدلیل بود. زمانی که دفترچه آمار بلدیة تهران (سرشماری افراد و کسب‌وکار در تهران قدیم) از طریق مرحوم علی خادم (عکاس معروف) به جعفر شهری رسید، باعث شد تا نگارش کتاب مشاغل را دست بگیرد. او در این کتاب بیش از هزار شغل منقرض شده یا در حال انقراض را با تمام ابعاد فرهنگی، ظرایف و لطایفش تعریف و توصیف می‌کند.

حدادی درباره کتاب ۳ جلدی شرح زندگی نامه جعفر شهری می‌گوید: «این کتاب هم راوی تهران و روابط و تعاملات مردم تهران است. مجموعه ۳ جلدی که شرح دردناکی از زندگی فردی و اجتماعی اوست و تحمل درد و رنجی که گاه از توان یک انسان خارج است. او در مقدمه، کتاب را به کسانی تقدیم کرده که به او بد کرده و ستم روا داشته‌اند.»



اردشیر آل‌عوض



حمید ناصری



محمود منیعی



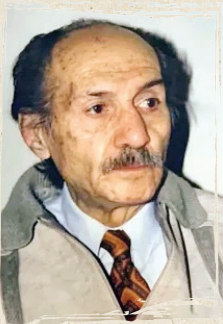
سیدمهدی اعرابی



مهرشاد کاظمی



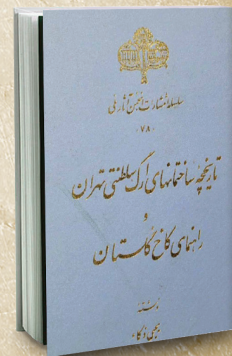
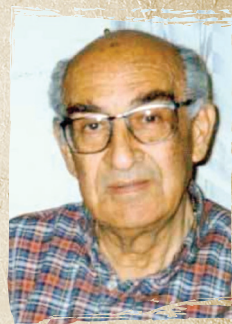
همایون عبدالرحیمی



محصول سال ها کاخ‌نشینی آقای پژوهشگر

■ یحیی ذکا (۱۳۷۹-۱۳۰۲)

کار و پژوه: معرفی بخش‌های مختلف کاخ گلستان



بناهای تاریخی فاخر، بخشی جدایی‌ناپذیر از هویت پایتخت را تشکیل می‌دهند و به همین دلیل برخی محققان و پژوهشگران همه فعالیت‌هایشان را روی همین موضوع متمرکز کرده‌اند. یحیی ذکا یکی از مهم‌ترین پژوهشگرانی است که سال‌ها در زمینه تاریخچه هنر در تهران تحقیق کرد و کتاب «تاریخچه ارگ سلطنتی و راهنمای کاخ گلستان» را نوشت که هنوز هم یک منبع تاریخی مهم و قابل‌اعتنا به شمار می‌رود. یحیی ذکا متولد تبریز و دانش‌آموخته مدرسه رشیدی بود، اما بعد از کوچ خانوادگی به تهران در دبیرستان فیروزبهرام با ایرج افشار، نویسنده و ادیب، هم‌دوره شد و در محضر استادانی همچون ذبیح‌الله صفا، مترجم و پژوهشگر و نائل خانلری آموزش دید. او حد فاصل سال‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۲ دوره ایران‌شناسی را در دبیرستان فیروزبهرام گذراند و از همان موقع درباره بناهای تاریخی و تاریخچه هنر در پایتخت تحقیق و پژوهش کرد. مهدی اعرابی، نویسنده و شمیران‌پژوه، درباره فعالیت‌های یحیی ذکا می‌گوید: «او یکی از معدود تهران‌پژوهانی بود که بر مقوله باستان‌شناسی و هنر اشراف کامل داشت و در حوزه فرهنگ و هنر کتاب‌های زیادی تألیف کرد. پژوهش درباره تاریخچه درفش در ایران، یکی از کارهای مهم او به شمار می‌رود. تادوره قاجار علاوه بر پرچم، درفش هم داشتیم که بیرقی بود و معمولاً توسط فرمانده

نظامی یا پادشاه در جنگ‌های مختلف حمل می‌شد. در باور عمومی مردم، درفش نماد مهمی بود و حتی اواخر دوره قاجار که کلاه‌ها به درفش نصب‌شده در ساختمان شمس‌العماره هجوم بردند، خیلی‌ها این اتفاق را نشانه سرنگونی قاجار می‌دانستند. یحیی ذکا به‌طور مفصل درباره تاریخچه درفش و کاربردها آن در تهران تحقیق و تفحص کرده و کتاب «تاریخچه تحولات و تغییرات درفش و علامت دولت ایران در دوره قاجاریه» را نوشته است. یحیی ذکا به واسطه علاقه فراوان به کتاب و ادبیات، مدت کوتاهی به‌عنوان کتابدار در کتابخانه ملی ایران مشغول به کار شد و در همان دوره کوتاه، شیوه تحقیق و پژوهش میدانی درباره بناهای تاریخی تهران را انتخاب کرد. اعرابی درباره یکی دیگر از مهم‌ترین میراث‌هایی که یحیی ذکا برای تهران به جا گذاشته می‌گوید: «او به واسطه شغلش سال‌ها در کاخ گلستان زندگی کرد و به نحو احسن از چنین امتیاز بزرگی بهره‌برد و کتاب ارزشمند «تاریخچه ارگ سلطنتی تهران و راهنمای کاخ گلستان» را نوشت که یک منبع مکتوب تاریخی موق و قابل‌اعتنا به شمار می‌رود. یحیی ذکا به‌طور شگفت‌انگیزی همه بخش‌های کاخ گلستان و محدوده اطراف آن را در این کتاب تشریح کرده است. اگر روزی کاخ گلستان، بنا به هر دلیلی از بین برود با رجوع به این کتاب به راحتی می‌توان اجزا و بخش‌های مختلف کاخ گلستان را کنار هم قرار داد و بازسازی کرد. یحیی ذکا عمرش را وقف فرهنگ و هنر کرد و سرانجام در قطعه هنرمندان هم به خاک سپرده شد.»